به بهانه انتشار کتاب «موسیقی و شعر؛تفاوت‌ها و طبقه‌بندی»

# افق‌هایی تازه در فرهنگ‌شناسی ایرانی

محسن شهرنازدار

او را با نوشـــته‌های اثرگذاری می‌شناسم که سال‌ها پیش با نام مستعار م. ح. آریان در کتاب ماهور و سالنامه موسیقی شیدا به چاپ می‌رساند. اگر اشتباه نکنم مقاله «موشحات و نوبات اندلسی» اوایل دهه ۷۰ در گاهنامه ماهور به چاپ رســید و همزمان مقاله‌ای درباره بربط با چند ترجمه در نخستین کتاب سال شیدا. خصوصیت بارزی در نوشته‌هایش وجود داشت که در کمتر متنی درباره موسیقی می‌توان سراغ گرفت. روشمندی و اتکا بر متدولوژی، طرح فرضیه و سوال و پژوهش، وفاداری به ذکر مآخذ و منابع، در کنار نثری عالمانه بی‌آنکه پرطمطراق باشد، از اصالت زبان و دانش هر دو برخوردار بود، نوشته‌های او را از هر آنچه در حوزه فرهنگ‌شناسی موسیقی ایران خوانده بودم، متمایز می‌کرد.

نمونه قابل‌توجه برخورد علمی او به موضوع موسیقی و موسیقی‌شناسی، نقدی است که در نخستین شماره فصلنامه موسیقی ماهور بر بازسازی قطعه حســینی در اثری از عبدالقادر مراغی نوشــت. این بازســازی توسط فرهاد فخرالدینی و برای موسیقی سریال امام علی(ع) انجام شده بود. نوشته م. ح. آریان نخستین نقد جدی بر یک اثر لااقل پس از چند دهه فقر و فقدان نقد جدی موسیقی در ایران بود. این نوشته با واکنش مکتوب فخرالدینی مواجه شد و آریان نیز در شماره چهارم کتاب سال شیدا، توضیحاتی تکمیلی بر نقد فخرالدینی نوشت؛ مقاله‌اش به توضیحات مبسوطی درباره مد (mode) و خصوصیات مدالی دستگاه، مقام و مقایسه تطبیقی این دو می‌پرداخت. در نتیجه به جای رسوم رایج در نوشتن جوابیه پرداخت به حواشی به جای اصل موضوع، این نقد به تولید دانش بیشــتر در حوزه فرهنگ‌شناسی موسیقی ایران منجر شد و در زمانه خود بسیار حایزاهمیت بود.

دکتر محســن حجاریان یا همان م. ح. آریان درجه کارشناســی ارشد را در رشــته حقوق و در ســال ۱۹۷۴ از آمریکا گرفته اســت. او برای ادامه تحصیل در رشته جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به دانشگاه ایالتی داکوتای جنوبی در شــهر بروکینگز می‌رود و همزمان در دو رشــته انسان‌شناسی و موسیقی‌شناسی در مقطع دکترا تحصیل می‌کند.

در دوران تحصیــل برای تحقیقاتی میدانی درس مردم‌شناســی همراه اســتاد راهنمایش خانم دکتــر دایانا هــس (Danna Hess) به منطقه حفاظتی بومیان اصلــی (American Indian Reservation) می‌رود و با بومیان قبیله «ســو» (Sioux) آشنا می‌شود. حجاریان به مدت نزدیک به دوســال درباره زبان و فرهنگ آنان که «لاکوتا» نام دارد؛ مطالعه میدانی کرده اســت. ســپس به پاریس رفته و مدت یک‌ســال تاریخ و زبان فرانسه می‌آموزد. پس از بازگشــت به آمریکا او که در ســال‌های بعد از ۱۹۸۴ به واســطه آشــنایی با چند نفر از نوازندگان موسیقی ترک با موسیقی ترکی آشنا شده و گاهی در کنسرت‌های آنان عود می‌زده است، تصمیم به ادامه تحصیل در فرهنگ‌شناسی موسیقی و موسیقی‌شناسی قومی می‌گیرد. به این ترتیب وارد دپارتمان موسیقی‌شناسی قومی دانشگاه مریلند می‌شود و دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا را در این رشته به پایان می‌رساند. حضور در مراکش و تحقیق بر سیســتم «موشحات و نوبات اندلسی» در سال‌های ۱۹۹۲ و ۹۳، سفر به تونس و قاهره برای تحقیق درباره «مقام» در موسیقی مصر؛ آشــنایی با «فصل» و «موکام» در موسیقی ترک، مطالعه بر «دیاوا» در چین، «راگا» در هند، «پاتت» در اندونزی، «موقام» در اویغور و سرانجام مطالعه عمیق تاریخی و میدانی درباره دستگاه در موسیقی کلاسیک ایران؛ حجاریان را به طرح یک تئوری بنیادی درباره مکاتب موســیقی ملل شرق اسلامی و مسیر تکوین نظام دستگاهی رهنمون می‌سازد؛ تئوری مهمی که او در کتابی منتشرنشــده، با عنوان «مکاتب قدیم موسیقی ایران» تشریح کرده است. او عمیقا معتقد است تنها می‌توان از طریق بخشی از مطالعات تطبیقی اینگونه موسیقی‌ها ردپای تاریخ موسیقی ایران را جست‌وجو کرد.

در سال‌های ۱۹۹۹ به بعد فصلنامه موسیقی‌شناسی ایرانی را در آمریکا تالیف کرد و برخی از نتایج مطالعات خویش را منتشر ساخت. این فصلنامه هــر چند در ایران فرصت انتشــار نیافتــه اما آنطور کــه در روش و منش حجاریان متداول اســت، در سال‌های گذشــته بدون نگرانی از سرقت‌های رایــج علمی، کپی این فصلنامه را در اختیار دیگران گذاشــته اســت. پس از این دوران حجاریان تصمیم به بازگشــت به ایران گرفت. بازگشــت او به ایران می‌توانست امیدی برای توسعه هدفمند و مبتنی بر دانش روز رشته موسیقی‌شناسی قومی باشد. موقعیت علمی او در موسیقی‌شناسی قومی را طبیعتا نه پژوهندگان تجربی موسیقی داشتند و نه معدود تحصیلکردگان موسیقی‌شناسی. اما چنان که رسم این زمانه است حضور او را تاب نیاوردند و او هم که انگیزه‌ای برای مقابله با جدال‌های داهیانه نداشت، خلوت و عزلت را به آن ترجیح داد.

آشــنایی ما با گفت‌وگوهایی شــروع شــد که ســال‌ها پیــش تدوین کتابی درباره اتنوموزیکولــوژی و مفاهیم و تعاریف آن، با برخی محققان و تحصیلکــردگان این رشــته از جمله جــان اکانــل، نیلوفر مینا و اســتیفن بلام انجام داده بودم و به ســراغ او نیز رفتم. اما با دایرشــدن دوره‌ای با عنوان «اتنوموزیکولوژی و مکاتب موســیقی شــرق اســلام» در دانشــگاه ســوره، فرصت مغتنمی فراهم شد تا در نقش شاگردی از او بیشتر بیاموزم. آنجا بود که متوجه شدم مقالات و تحقیقات بسیاری از او وجود دارد که کمال‌گرایی و وســواس‌های علمی‌اش مانع از انتشار آنها شــده است. با این حال دکتر حجاریان ســخاوتمندانه کپی آنها را در اختیار ما می‌گذاشت و در حقیقت برایمان دریچه‌ای نو به فرهنگ‌شناســی موسیقی ایران می‌گشود. درآمدی بر فرهنگ‌شناسی موسیقی ایرانی، همبســتگی و پراکندگی موسیقی در فرهنگ‌های شــرق اســلامی، زمینه‌های تکامل صورتبندی در موســیقی دســتگاهی در ایران، روش کانتومتریک در مطالعه موسیقی فرهنگ‌های گوناگون و... عناوین برخی از این مقالات بودند که جهت و مسیر نگاه ما را در فرهنگ‌شناسی موسیقی به‌طور کلی دگرگون کرد.

**موسیقی و شعر**
**تفاوت‌ها و طبقه‌بندی**
**محسن حجاریان**
**نشر رشد آموزش**

طی ســال‌های گذشــته او مقالات مهمی را در حوزه موسیقی‌شناسی قومی به فارسی برگردانده است. ترجمه‌های او به فراخور اهمیت و کاربردی که موضوعات برای مخاطب فارســی‌زبان دارند، انتخاب می‌شــوند. کتاب «مردم‌شناسی موسیقی سرخپوستان آمریکا» نوشته مارشا هرندن که توسط نشر افکار منتشر شــد، از این دست است. هرندن که خود از سرخپوستان قبیله چروکی بوده، با حجاریان دوستی داشته و هنگام تحصیل او در دانشگاه مریلند، استاد مردم‌شناسی موسیقی و استاد راهنمای او شده است. اهمیت ترجمه این کتاب در روش‌شناسی تحقیق در حوزه مردم‌شناسی موسیقی اســت؛ نیازی که در ایران در همه تحقیقات میدانی موسیقی و به‌خصوص فرهنگ‌شناسی موسیقی قومی به چشم می‌خورد. همچنین کتاب «موسیقی جهــان» ترجمه و نوشــته دکتر حجاریان، دورنما و مقدمه‌ای بر شــناخت موســیقی ایران محســوب می‌شود؛ هرچند در ظاهر موضوعات اشــاره‌ای به موســیقی ایران نشده است. در این کتاب که توســط کتابســرای نیک و میراث فرهنگی انتشار یافته، سه‌مقاله مهم از کورت زاکس، هنری جرج فارمر و کیلمر، کروکر و براون درباره موسیقی بین‌النهریــن باســتان ترجمه شــده، همچنین مقالاتی مهم از دکتر حجاریان درباره موسیقی مراکش، موسیقی چین، موسیقی ژاپن، موسیقی هند و موسیقی اندونزی آمده که مختصری از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای او بوده است. اما عجیب آنکه فروتنانه نه در مقدمه و نه در کنار عناوین مقالات، اشاره‌ای به نگارش آنها توسط او نشده است! «مقدمه‌ای بر موسیقی‌شناسی قومی» عنوان کتاب مهم حجاریان در زمینه سیر تطور اجتماعی، فرهنگی و تاریخی موسیقی ایران است. هرچند مقالاتی درباره تاریخ موسیقی‌شناسی قومی و روش تحقیق این علم نیز در این کتاب آمده است. این کتاب که توسط کتابسرای نیک و میراث فرهنگی منتشر شد، مشکل توزیع داشت و آنطور که باید دیده نشد. اما از این بدتر، در شناسنامه کتاب نام دو تن از «محققان تجربی» موسیقی در ایران به‌عنوان داور علمی کتاب آمده بود! گویا دکتر حجاریان از بابت ناشر شانس نیاورده و البته فروتنی او نیز موجب خطای ساده‌اندیشان شده است.

در پایان‌نامه دکترا، حجاریان به نقش و ارتباط غزل و موســیقی ایرانی می‌پردازد. به گمان او «در فرهنگ ایران غزل یک اندیشــه است و موسیقی ایرانی هم یک اندیشه. اینکه الگوی این دو چگونه و در چه شرایط فرهنگی - تاریخی سامان گرفته‌اند و موسیقی ایرانی تحت چه تاثیری نقشی از صورت و محتــوای ســامانه غزل ایرانی را به خود گرفتــه - همگی درخور توجه و مطالعه هستند. غزلیســم در قلمرو فرهنگ غرب ایران رشد نهایی خود را اعلام می‌کند و موسیقی دستگاهی هم در غرب ایران - بعد از مغول - سامانه خود را می‌یابد...» به نظر می‌رســد جســت‌وجوی او در این‌باره، سال‌ها پس از دفاع دکترا مســیر تازه‌ای در تحقیقات دکتر حجاریان گشوده و موضوع اثر تازه او شــده اســت. آخرین اثرش کتاب بسیار مهم و چالش‌برانگیزی با عنوان «موسیقی و شعر؛ تفاوت‌ها و طبقه‌بندی» است؛ ناشر این کتاب تازه انتشاریافته، انتشارات رشد آموزش است. بیوگرافی ناقص، برخی مشکلات ویراستاری و کتابداری، در کنار طرح جلدی نامفهوم و بی‌رمق، از اهمیت این اثر مهم نکاسته است. نواقصی که قطعا در چاپ‌های آینده و توسط ناشری که پیداست حسن نیت دارد، رفع خواهد شد. اما اهمیت کتاب فراتر از این نواقص و در طرح مباحث تازه‌ای است که نظریات پیشین درباره پیوند موسیقی و شعر را به چالش می‌کشد. در این میان آرای دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و زنده‌یاد دکتر پرویز ناتل‌خانلری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. به این اعتبار کتاب بیش از آنکه به موضوعات موسیقی‌شناسی پرداخته باشد، در حیطه نقد ادبی می‌گنجد. اما با اشــتباه ناشر و البته توزیع‌کننده، کتاب در کتابفروشی‌ها، به قسمت آثار موسیقی رفته است! کتاب «موسیقی و شعر؛ تفاوت‌ها و طبقه‌بندی» با رد حکم رایج درباره پیوند موســیقی و شعر آغاز می‌شــود و بیگانگی بنیادی موسیقی با شعر را از منظر صوت‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد. او می‌نویسد: «با اینکه موسیقی کلاسیک ایرانی در دوره متاخر از موسیقی قومی بهره می‌گیرد اما سرانجام جدایی فنی آنها را می‌توان در دوره اشــکانیان ردیابی کرد. پایه گفتاری موسیقی کلاسیک که هم در دربار، هم درون جامعه ایران نضج یافته به زبان دری پیوســته است. با این حال نباید پنداشــت که زبان فارسی موجب پیدایش موسیقی ایرانی شده است.» بنیان نظریه حجاریان بر تفاوت‌های زبان‌شناختی و ناهمسانی صورت و معنا در موســیقی و شعر استوار شده اســت. او این تفاوت‌ها را با مقایسه عناصر مشابه در شعر و موسیقی شامل آواها، وزن عروضی در شعر و متر در موسیقی و نیز واج‌آرایی نشان می‌دهد. همچنین دیدگاه‌های نظری در فلسفه و منطق را نیز دراین‌باره به کار می‌بندد. زبان فارسی و موسیقی دستگاهی، شــعر فارسی در قلمرو موســیقی، تاریخ و جغرافیا، تفاوت حس‌آمیزی در شعرو موسیقی، دســتان و پرده موسیقایی و عرفانی، آواز، دستگاه و صوت آوا، درون‌گرایی در موســیقی ایرانی، در کنار دو پیوست «پرده در موسیقی و عرفان ایران» و نیز «طبقه‌بندی هنر موسیقی و شعر ایرانی»، عناوین کلی فصول این کتاب است.

در فصل «شعر فارسی در قلمرو موسیقی، تاریخ و جغرافی» نکاتی مهم درباره جغرافیای زبان فارســی و پهنه کاربردی شــعر ایرانی در موســیقی ملت‌های گوناگون طرح شــده اســت. کتاب در عین حــال حاوی مباحث موسیقی‌شناســی مهمی نظیر تفسیر نظام دســتانی و پردگانی است هر چند این بحث را از منظر واژه‌شناســی مطرح کرده و تحلیل موسیقایی را به کتاب مکاتب قدیم موسیقی ایران برده است؛ کتابی که امیدوارم به‌زودی منتشر شود... دکتر محسن حجاریان علاوه بر افق‌های تازه‌ای که در مباحث فرهنگ‌شناسی موسیقی، نه‌تنها در این کتاب بلکه در همه آثارش، پیش‌روی شاگردان و مخاطبان گشوده؛ ، بزرگواری، فروتنی و سخاوتی دارد که درس زندگی نیز به همه ما آموخته اســت. برایش آرزوی طول عمر، ســلامتی و بهروزی دارم.

## یک اصطلاح گمراه‌کننده

«دعوت از من برای شــرکت در نمایشــگاه بی‌نام هنر مینیمال شــما را اهانتــی به خود می‌دانــم. از اینکه طرح مــن ذیل یک به اصطلاح جنبش مشکوک، سبک، حقیر و ماقبل تاریخی قرار بگیرد، خوشحال نمی‌شوم.»

این جملات را دن‌فلوین خطاب به گردانندگان نمایشــگاه هنر مینیمال نوشــت و آنها را به ســخره گرفت. هنر مینیمال با چنین بازخوردهایــی مواجه بود. حتی هنرمندان نیز قایل به این مســاله نبودنــد. این برخورد بــا واژه مینیمال تنهــا در مجموعه هنرهای تجسمی نبود، در ادبیات آمریکا نیز آنگاه که منتقدی زبان به تمجید و تعریــف از ریموند کارور پرداخته بود و مینیمالیســم را جوهره و وجه تمایز آثار او با دیگر آثار نویســنده‌ها برشــمرده بود، کارور در مصاحبه‌ای که با پاریس ریویو به سال ۱۹۸۳ کرده بود، بی‌رحمانه آن منتقد را نواخته بود و از اطلاق این واژه بر آثار خود ناراحت شده بود. به‌راستی این برخوردها با عنوان مینیمال از چه بابت بود؟

**مینیمالیسم**
**دیوید بچلر**
**ترجمه حسن افشار**
**نشر مرکز**

«مینیمالیســم» عنوان کتابی است نوشــته دیوید بچلر که در سه فصل و با عناوین «از نقاشــی و مجسمه»، «از اشیا و موضوع ها» و «از نوشــتارها و بسترها» نوشته شده اســت. این کتاب در حکم مدخلی برای بررســی ویژگی‌های هنر مینیمالیســم اســت و با تکیه بــر آثار پنج‌هنرمند عمده یعنی کارل آندره، دن فلیوین، دونالد جاد، ســل لویت و رابرت موریس، برخی از تفاوت‌های مهم در ســیر رشــد و سمت‌وســوی کار هر هنرمند را نمایان می‌کنــد. همچنیــن در ایــن کتــاب انــواع نقدها و تفســیرهایی کــه درباره مینیمالیسم نوشته شده، مورد بررسی قــرار گرفته‌انــد. کتاب، پیشــگفتاری هــم دارد کــه در آن دربــاره نام‌گذاری مینیمالیســم و ویژگی‌های آن توضیح داده شده است: «مشکل هنر مینیمال این بود که اصلا چنین هنری وجود نداشــت. دســت‌کم از نظر اغلب هنرمندانی که معمولا ذیل این برچسب گروه‌بندی می‌شــدند، در بهترین حالت بی‌معنا و در بدترین حالت، اصطلاحی کامــلا گمراه‌کننده بود. با این حال بین سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵ چند هنرمند مستقر در نیویورک شروع به نمایش مستقل آثاری سه‌بعدی کردند که از نظر چند مفسر به اندازه کافی وجه مشــترک داشتند تا درباره‌شــان بحث شود، در معرض تماشــا قرار گیرند و در هر صورت مثل یک جنبش هنری معرفی شــوند. نام‌هایی روی آن گذاشــتند از قبیل هنر پایه، هنرناپذیرا، سطح‌گرایی، ولی نامی که روی آن ماند هنر مینیمال یا مینیمالیسم (کاهش‌گرایی، کمینه‌گرایی) بود». کتاب همچنین تاثیر مینیمالیسم را بر مکتب‌های بعدی و هنرمندان معاصر نشان می‌دهد.

مرور

## غار علی‌بابا

«به خاطر باران»، از پرویز دوایی که این روزها از طرف انتشــارات جهان کتاب منتشــر شــده، دومین کتاب از مجموعه «نامه‌هایی از پراگ» دوایی اســت که کتاب اول آن، سال گذشــته با عنوان درخت ارغوان منتشر شد. به خاطر باران نیز همچون درخت ارغوان، اثری است که گرچه عنوان «نامه» را بر پیشانی دارد، اما از شکل متعارف نامه‌نگاری فراتر می‌رود و می‌توان هر بخــش آن را به صورت یک متن ادبی خواند؛ متنی که دریچه‌ای اســت به روی چشــم‌اندازهایی رنگارنگ که نویسنده حاصل پرسه‌های خود در آنها را از طریق کلمات با مخاطب در میان گذاشــته و مخاطب را در مشاهدات گونه‌گون خود شــریک کرده است. دوایی در این کتاب نیز همچون کتاب قبلی با نثری شیرین از علاقه‌ها، دلمشغولی‌ها و خاطراتش سخن می‌گوید. از سینما، طبیعت، فیلم‌های قدیمی، کتاب‌ها، محله‌های پراگ و تهران قدیم و هزار چیز دیگر. هر نامه عنوانی دارد و کتاب، در مجموع شامل یک مقدمه و ۱۴ نامه اســت. آنچه می‌خوانید قسمتی اســت از نامه‌ای از این کتاب که عنوانش هســت غار علی بابا: «... ســلام و صفا بر تو باد در این صبح ســرد سه‌شــنبه‌ای چهارده ژانویه‌ای. مثل برق گذشت (زمان برای پیرها سریع‌تر می‌گــذرد!). ایــن را در آن قهوه‌خانه مالوف (بوفه داخل کتابخانه شــهر که دیده‌ای) می‌نویســم. در این ساعت فقط بنده هستم و یک خانم و یک آقا و صدای خرخر دســتگاه قهوه درست‌کنی که شبیه به خرخر گربه‌هاست (یادشان به خیر). بنده به یمن فیلم‌های ارسالی شما همچنان به کشف مجدد فیلم‌های قدیمی مشغولم و این امر برایم واقعا عین کشف یک سرزمین نوی شگفت‌انگیز است، مثل اینکه در زمین خرابه پشت خانه‌ات یکهو یک جنگل دست‌نخورده و وسطش یک برکه پر از ماهی‌های زمردی کشف کنی یا در صندوق کهنه ننه‌بزرگ در اتاق صندوقخانه به یک آلبوم قدیمی بربخوری پر از عکس آدم‌های عزیز درگذشته در اوج جوانی و شادابی‌شان؛ یا بهتر از همه، مثل آن پسربچه فیلم «علی بابا و چهل دزد»، در بیابان برهوت در دل کوه صخره‌ای باز شــود و آن طرف‌اش غاری باشــد پر از جواهرات رنگارنگ درخشان و پارچه‌های زربفت که معادل‌اش در زندگی ماها (که خالی از رنگ و نور بود) بازشدن پرده سنگین آویخته جلوی پرده سفید سینما بود که در آن آبشــاری از رنگ‌های زنده پرجلوه ســرازیر شود و آدم را برگیرد و بر سر برکه‌ها و جنگل‌ها پرواز دهد...»

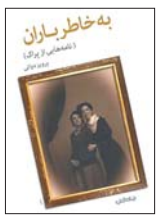

**به‌خاطر باران**
**نامه‌هایی از پراگ**
**پرویز دوایی**
**نشر جهان کتاب**
**چاپ اول ۱۳۹۳**

به‌جز این نامه، عناوین دیگر نامه‌هایی که در این کتاب آمده عبارتند از: در یک جمع دموکرات، کاشکی، خاکسترسپاری، با اجازه، به‌خاطر باران، تا ســحرگه، گل‌های زنگوله‌ای، بی‌تو و با تو، دیدار، بیا ببین چه کردی، قلعه نجات، چرا من؟ و بادبادک سبز. دوایی مقدمه‌ای هم بر کتاب به خاطر باران نوشته که در بخشی از آن می‌خوانیم: «... و بعد: باز چندتایی نامه/نوشته دیگر هست از میان همان حجم عظیم نامه‌های این (حدودا) چهار دهه گذشته، فرستاده شده و نشــده، که اصحاب گرامی مجله جهان کتاب فرمودند که می‌شود که به‌صورت مجموعه‌ای گرد بیاید و عرضه بشود، که باز (مثل همان مورد قبلی) به کار کسی بیایند یا نه، متاسفانه از تصور این بنده خارج است، کــه گفت: «چه کند... که ندارد بیش». بیش که یعنی در این مرحله از عمر واقعا انگار که چیز دیگری برای در میان گذاشتن با دیگران-متاسفانه- ندارم. فقط آرزو دارم (و امیدوارم) که این نوع عرایض اگر هم به‌قول عرفا، وقت کسی را خوش نمی‌کند، لااقل حوصله‌اش را سر نبرد و خواننده احتمالی این دفتر در انتهای امر، به خاطر وقت (و وجهی) که صرف آن کرده، احســاس غبن نکند (از آنجایی که اگر درآمد -دفتر لاغری خواهد بود، مرورش- اگر کسی اصلا حوصله بکند- وقت زیادی نخواهد گرفت، لااقل...)». از دیگر موضوعاتی که دوایی در نامه‌هایش به آنها پرداخته، طبیعت و دگرگون‌شــدن فصل‌ها و رنگ‌هاســت؛ و نیز یادهای کودکی و دبســتان، معلم‌ها و همشاگردی‌ها، سرگرمی‌های کودکانه و دلبستگی‌ها و غم‌های نوجوانی و جوانی: «... و اگر از من صمیمانه بپذیرید که در این مرحله از عمرم، این حرف‌هایی که ملاحظه می‌کنید، هرچه هستند و هر قدری که دارند (یا ندارند) از آخرین بهانه‌های ادامه هســتی عاطفی بنده هستند، خوب می‌توانید درک کنید که اگر این حرف‌های گسسته پراکنده (که قطعا «از جنس زمان نیستند»)، روی تصادفی خوش (برای من)، با کسی از در حد فهم و فرهنگ شما همراه درآمده و در او اثر مثبتی به جا گذاشته باشد، تا چه اندازه برای من عزیز و اصلا توجیه‌کننده هستی و هویتم در این ایام است...»

جدول ۲۰۰۲ ■ طراح: بیژن گورانی

**افقی:**

۱- آشفته و مضطرب - عارفان - استخوان دیواره قفسه سینه ۲ -زیاده‌روی در تشریفات اداری - از آن شکلات تهیه می‌شود ۳ - بی‌بنیاد - جمع شیخ - بالای مجلس ۴ - رود جاری در خراسان‌شمالی - چوبدستی ســاربان - باران منجمد ۵ - تکــرار حرفی - فالگیر - پسران عرب - اصل هرچیز ۶ - شکوه، عظمت - اسب زرد رنگ - بعضی اوقات ۷ - شکســتگی‌های طبقات رســوبی زمیــن - زینت روی انگشــتر - ســکه رایج در برخی کشــورهای عربی ۸ - شــاعر و عارف ایرانی قرن پنجم که کرامات بســیاری به او نســبت داده‌اند ۹ - ویرگول - کارگر ســاختمانی - نغمه ۱۰ - پوپک - مثل و مانند - انگشت چهارم دست ۱۱ - خاندان - تکیــه کردن - بوی خوش -ای پادشــه خوبان داد از... تنهایی ۱۲ - نوعی کارد نوک تیز - نان‌خردشــده در آبگوشت - رهسپار ۱۳ - حشــره خونخوار - بیماری کهنه و درازمدت - رهبر حزب ۱۴ - ته‌بندی کتاب - از رشته‌های ورزشی رزمی ۱۵ - مورد تمسخر دیگران - واحد پول امارات- آلیاژ.

**عمودی:**

۱ - پرده سینما - کهن‌ترین قسمت اوستا - موی گوسفند ۲ - نیم‌ساعت! - هماهنگی در اجزای چیزی - خوشایند ۳ - درشت و بدقواره - دارایی بانکی غیرقابل برداشت - آوازه ۴ - گفت‌وگو در امور سیاسی - سیدها - صد مترمربع ۵ - بخشــش، عطا - برخوردار از نعمت - بازدارنده حرکت چرخ اتومبیل ۶ - اشــاره - بخشــی از رویــان دانه - پارســایی ۷ - ارجمندی - اثر معروف پیرکرنی، نویســنده فرانســوی - عزاداری ۸ - به نخ‌های ســروته فرش گویند - بلند نظری - آزرده ۹ - واحدپول چین - فیلمی ســاخته داریوش مهرجویــی - دریا ۱۰ - پژواک - به وعده خود وفا نمی‌کند - غذایی از گوشت چرخ کرده و ســیب زمینی ۱۱ - برکشیدن شمشیر از غلاف - زن ســاکن صومعه - تنها ۱۲ - راندن مزاحم - گیج و خرفت - کلیسای تاریخی شهر پاریس ۱۳ - یاری‌کننده - افراد - میان ســاعد و بازو ۱۴ - شیوه نگرش و ارزیابی - نوعی راه رفتن ســتور - مادر ورزش‌ها ۱۵ - خورشید - فرشته مهر در آیین زرتشتی - ترش و شیرین.

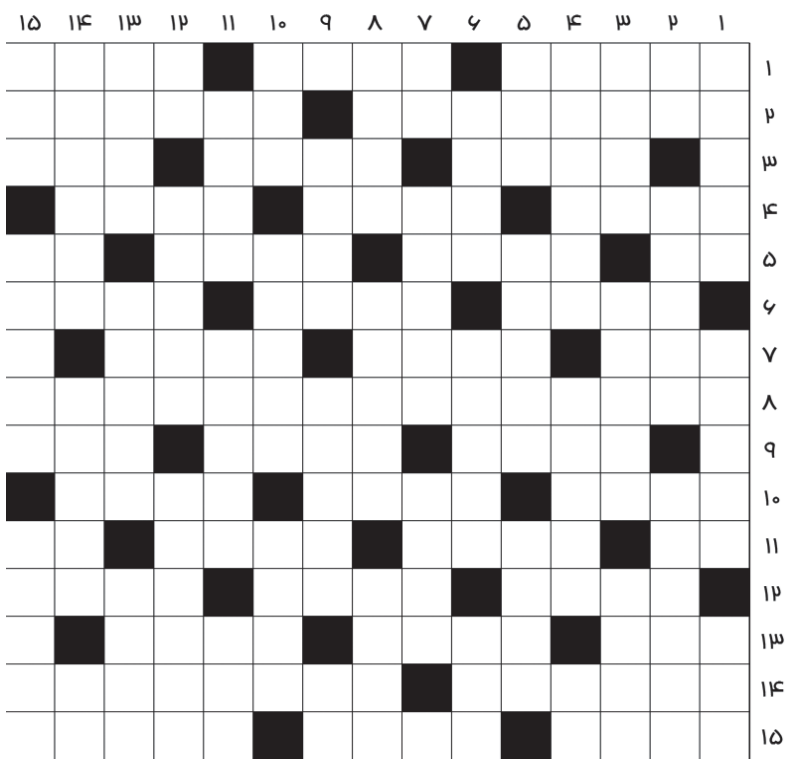

حل سودوکو سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۴ | ۳ | ۹ | ۱ | ۷ | ۶ | ۲ | ۵ |
| ۶ | ۱ | ۹ | ۵ | ۸ | ۲ | ۷ | ۴ | ۳ |
| ۲ | ۷ | ۵ | ۴ | ۶ | ۳ | ۹ | ۸ | ۱ |
| ۱ | ۳ | ۶ | ۷ | ۴ | ۹ | ۸ | ۵ | ۲ |
| ۹ | ۸ | ۷ | ۲ | ۵ | ۱ | ۳ | ۶ | ۴ |
| ۵ | ۲ | ۴ | ۶ | ۳ | ۸ | ۱ | ۷ | ۹ |
| ۴ | ۹ | ۱ | ۸ | ۷ | ۵ | ۲ | ۳ | ۶ |
| ۷ | ۶ | ۲ | ۳ | ۹ | ۴ | ۵ | ۱ | ۸ |
| ۳ | ۵ | ۸ | ۱ | ۲ | ۶ | ۴ | ۹ | ۷ |

حل سودوکو ۹۹۸

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۱ | ۲ | ۴ | ۵ | ۳ | ۹ | ۶ | ۷ | ۸ |
| ۳ | ۶ | ۹ | ۸ | ۷ | ۴ | ۵ | ۱ | ۲ |
| ۵ | ۸ | ۷ | ۶ | ۲ | ۱ | ۴ | ۳ | ۹ |
| ۲ | ۹ | ۶ | ۴ | ۱ | ۷ | ۸ | ۵ | ۳ |
| ۸ | ۳ | ۱ | ۹ | ۵ | ۲ | ۷ | ۶ | ۴ |
| ۴ | ۷ | ۵ | ۳ | ۶ | ۸ | ۹ | ۲ | ۱ |
| ۷ | ۴ | ۳ | ۲ | ۸ | ۶ | ۱ | ۹ | ۵ |
| ۶ | ۵ | ۸ | ۱ | ۹ | ۳ | ۲ | ۴ | ۷ |
| ۹ | ۱ | ۲ | ۷ | ۴ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ |

جدول ۲۰۰۱

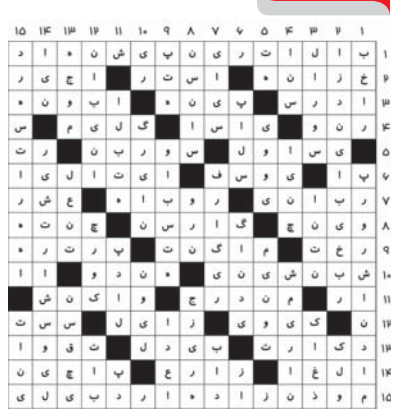

سودوکو سخت ۹۹۹

**قانون‌های حل جدول سودوکو:**

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۲ | | ۵ | | ۹ | | ۳ | |
| ۹ | | ۶ | | | ۲ | | | |
| | | | | | ۶ | | ۹ | |
| ۷ | | | | | | ۴ | ۵ | |
| ۱ | | | | ۵ | ۴ | | | |
| ۴ | | ۳ | | | ۷ | | ۲ | |
| | | | | | ۸ | | ۱ | ۳ |
| | ۱ | | ۷ | | | ۸ | | ۹ |
| | ۳ | ۸ | | | ۱ | | ۴ | |

سودوکو ۹۹۹

**سودوکو**

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۹ | ۸ | ۷ | | | | | | |
| | | ۱ | | ۸ | | | | ۴ |
| ۳ | | ۵ | | | ۶ | | | |
| | ۵ | | | ۹ | | | ۸ | |
| | ۹ | | ۲ | | ۵ | | | ۳ |
| | ۱ | ۳ | | | | | | ۲ |
| | | ۴ | | ۷ | ۲ | | | |
| | ۷ | | ۸ | ۴ | | ۳ | | |
| ۱ | | | ۶ | ۵ | | | | |